






تبیین جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر خشونت خانوادگی با رویکرد نظریه زمینه‌ای

دانشجوی دکتری، گروه جامعه‌شناسی، واحد آشتیان، دانشگاه آزاد اسلامی، آشتیان، ایران
استادیار، گروه جامعه‌شناسی، واحد آشتیان، دانشگاه آزاد اسلامی، آشتیان، ایران
استادیار، گروه جامعه‌شناسی، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران

مهرداد هوشمند 

علی روشنایی* 

معصومه مطلق 

a.roshanaei@yahoo.com

ایمیل نویسنده مسئول:

پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۰۸

دریافت: ۱۴۰۱/۰۹/۲۴

فصلنامه علمی پژوهشی
خانواده درمانی کاربردی

شاپا (الکترونیکی) ۲۷۱۷-۲۴۳۰

<http://Aftj.ir>

دوره ۴ | شماره ۵ پیاپی ۱۹ | ۳۷۸-۳۹۶

زمستان ۱۴۰۲

نوع مقاله: پژوهشی

به این مقاله به شکل زیر استناد کنید:
درون متن:

(هوشمند و همکاران، ۱۴۰۲)

در فهرست منابع:

هوشمند، مهرداد، روشنایی، علی، و مطلق، معصومه. (۱۴۰۲). تبیین جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر خشونت خانوادگی با رویکرد نظریه زمینه‌ای. *خانواده درمانی کاربردی*. ۴(۵)، ۳۹۶-۳۷۸.

چکیده

هدف: پژوهش حاضر با هدف تبیین جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر خشونت خانوادگی با رویکرد نظریه زمینه‌ای بود. **روش پژوهش:** روش پژوهش حاضر با رویکرد کیفی و با استفاده از نظریه زمینه‌ای به مطالعه عوامل و پیامدهای خشونت علیه زنان در خانواده پرداخته است. برای گردآوری اطلاعات و انتخاب مشارکت‌کنندگان از روش نمونه‌گیری هدفمند استفاده شده و با پیشرفت مطالعه، نمونه‌گیری موارد مطلوب صورت گرفت که تا رسیدن به اشباع نظری با ۲۱ نفر از زنان مورد خشونت قرار گرفته که به مرکز اورژانس اجتماعی شهر نهاوند مراجعه کرده‌اند، مصاحبه نیمه ساختار یافته به عمل آمد. که بعد از تحلیل و بررسی محتوای مصاحبه‌ها، با کدگذاری باز ۲۰۲ مفهوم اولیه و در کدگذاری محوری، ۲۰ مقوله عمده و در نهایت یک مقوله مرکزی یا هسته‌ای استخراج گردید. **یافته‌ها:** نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که عواملی نظیر اعتیاد شوهر، مشکلات و اختلالات شخصیتی، ازدواج اجباری و زودهنگام، نگرش مردسالاری در خانواده، عدم حمایت خانوادگی، نقص جامعه‌پذیری و تربیت اجتماعی و شرایط نامناسب اقتصادی از عوامل مؤثر و عمده در افزایش و بروز خشونت علیه زنان در خانواده محسوب می‌شوند. **نتیجه‌گیری:** با توجه به نتایج و یافته‌های به دست آمده از این پژوهش کیفی، برگزاری کارگاه‌ها جلسات مهارت‌های زندگی و مشاوره‌های پیش از ازدواج جهت افزایش آگاهی و شناخت زوجین از هم و برخورد با یکدیگر مخصوصاً در اوایل زندگی جهت مقابله و کاهش پدیده خشونت علیه زنان پیشنهاد می‌شود.

کلیدواژه‌ها: خشونت، زنان متأهل، خشونت خانوادگی، مطالعه کیفی، نظریه زمینه‌ای.

مقدمه

خشونت علیه زنان^۱ یکی از مهم‌ترین آسیب‌های اجتماعی در همه جوامع مخصوصاً جامعه ایران است، که مشکل و میزان آن در جوامع و گروه‌های مختلف اجتماعی متفاوت است و همه روز بر قربانیان این معضل و پدیده اجتماعی افزوده می‌شود. با نگاهی به صفحات حوادث و روزنامه‌ها و شبکه‌های اجتماعی می‌توان ردّ پای این پدیده را در خانواده‌ها مشاهده کرد. خشونت خانوادگی^۲ از معضلاتی است که با بسیاری از آسیب‌ها و انحرافات اجتماعی رابطه دارد و از آن‌ها تأثیر می‌پذیرد و در عین حال ریشه و منشأ بسیاری از آسیب‌های فردی و اجتماعی است، لذا بررسی و پرداختن به این موضوع و ارائه راهکارهای علمی و کاربردی در جهت حل و کاهش آن یکی از اولویت‌ها و ضروریات اساسی جامعه است. خانواده اولین و مهم‌ترین نهاد اجتماعی است که در جامعه‌پذیری و تربیت اجتماعی فرزندان نقش اساسی ایفا می‌کند. درباره اهمیت و ضرورت نهاد خانواده در جامعه، متفکران و اندیشمندان مباحث و موضوعات گوناگونی را مطرح کرده‌اند و هر کدام از زاویه‌ای خاص به آن نگرسته‌اند. در میان همه سازمان‌ها و نهادهای اجتماعی، خانواده از جایگاه و منزلت ویژه‌ای برخوردار است و به عنوان عامل اصلی القاء ارزش‌ها و هنجارها شناخته شده که در رشد و تکامل شخصیت فرزندان تأثیر عمده‌ای دارد. شخصیت و روان آدمی همچون ماده خاصی است که در جریان ارتباط و تعامل با دیگران شکل می‌گیرد. از خانواده به عنوان نخستین آموزشگاه فرزندان یاد می‌شود که والدین در آن به عنوان آموزگاران فرزندان، الفبای چگونه بودن و چگونه زیستن را به آن‌ها می‌آموزند (هوشمند، ۱۳۸۳). خشونت علیه زنان تأثیرات نامطلوبی بر سلامت جسمی و روحی و روانی افراد دارد و سلامت زنان و فرزندان را به مخاطره انداخته و پیامدهای زاینباری از نظر فردی، خانوادگی و اجتماعی برای افراد به دنبال دارد. و اثرات این خشونت در خانواده تنها به زنان محدود نمی‌شود، بلکه رفتار و شخصیت فرزندان و آینده آن‌ها را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. در زمینه مسائل مختلف خانواده در ایران تحقیقات مختلفی انجام شده است، اما در مورد خشونت خانگی به ویژه خشونت شوهران علیه زنان تحقیقات اندکی صورت گرفته است که آن هم به دلیل نبود آمارهای رسمی درباره ابعاد مختلف خشونت، به ویژه خشونت جنسی است. که بیشتر این پژوهش‌ها با روش پیمایشی انجام گرفته که زنان در این بررسی‌ها، موارد خشونت و عوامل آن را بیان کرده‌اند. (زنگنه، ۱۳۸۰).

«خشونت، رفتاری است که در همه کشورها مشاهده می‌شود و بر قربانیان فراوان آن همه روزه افزوده و موجب اضطراب مردم و احساس ناامنی آن‌ها به ویژه گروه‌های ضعیف‌تر و آسیب‌پذیرتری مانند زنان، کودکان، سالخوردگان و گروه‌های اقلیتی که قربانیان ستم‌پذیرتر نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی هستند، نیز می‌شود. گستردگی و فزاینده‌گی انواع خشونت در جامعه، علاوه بر قربانیان مستقیم آن، نزدیکان و دوستان قربانیان را نیز متأثر می‌کند و امنیت اجتماعی و سلامت روانی مردم را به خطر می‌افکند» (صدیق سروستانی، ۱۳۸۲). وقوع خشونت در خانواده نشان از یک پیام دارد و آن چیزی نیست، جز رشد خشونت در سطح جامعه. با نگاهی گذرا به صفحات حوادث روزنامه‌ها و شبکه‌ها می‌توان ردّ پایی از خشونت در خانواده‌های ایرانی جستجو کرد؛ حوادثی که بیان‌کننده پرخاشگری و خونریزی در خانواده و نشان از یک بحران دارند. بحرانی که هر روز بر وسعت آن افزوده می‌شود (ستوده، ۱۳۸۶).

1. Violence against women
2. Family violence

لذا مسئله اساسی در این پژوهش این است که علل و عوامل مؤثر بر خشونت علیه زنان در شهرستان نهاوند، از دیدگاه خود زنان مورد خشونت قرار گرفته با مطالعه کیفی^۱ و با روش نظریه زمینه‌ای^۲ مورد شناسایی قرار گرفته و شرایط علی، شرایط مداخله‌گر و شرایط زمینه‌ای شکل‌گیری خشونت خانگی از نگاه زنان مورد مطالعه بررسی شود. همچنین پیامدهای خشونت خانوادگی بررسی و یک مدل پارادایمی^۳ بر اساس نظریه زمینه‌ای در این رابطه و در نهایت راهکارها و پیشنهادات لازم برای پیشگیری و کاهش خشونت علیه زنان با توجه به یافته‌های این پژوهش و مطالعه پژوهش‌های دیگر ارائه گردد.

پژوهشی توسط غلامی و همکاران (۱۳۹۶) نشان داد که خشونت به شیوه‌های مختلف در اکثر خانواده‌ها در یک پیوستار کم تا زیاد، تحت تأثیر عوامل متعددی از جمله ویژگی‌های شخصیتی و نوع تربیت خانوادگی با توجه به فرهنگ اجتماعی فرد وجود دارد. و عواملی نظیر مشکلات شخصیتی مردان، عدم امنیت روانی زنان، باورهای جنسیتی، عدم شناخت صحیح همسر، تفاوت‌های زوجین و... در خشونت علیه زنان تأثیر داشته است. پژوهشی توسط زمانی مقدم و حسونندی (۱۳۹۸) نشان می‌دهد که مشکلات شوهر موجب خشونت‌ورزی علیه زنان می‌شوند و وضعیت نامناسب این زنان و فرهنگ مردسالاری حکم بر این منطقه، زنان مورد مطالعه را برابر خشونت شوهران بی‌دفاع می‌کند. همچنین خشونت‌ورزی علیه زنان پیامدهای اجتماعی و روان‌شناختی مخربی به دنبال دارد و زنان در چنین وضعیتی، چاره‌ای جز سوختن و ساختن ندارند. پژوهشی توسط نامدار حسینی و همکاران (۱۳۹۹) نشان می‌دهد که سردی روابط و پیامدهای منفی خانوادگی از جمله تبعات خشونت ناشی از اقتدارگرایی و احساس ندامت و آسیب‌های شخصیتی از جمله پیامدهای پدیده کتمان ناتوانی (سرپوش گذاشتن یا تلاش برای پنهان کردن ضعف و ناتوانی مشارکت‌کنندگان (ارائه دلایل) می‌باشد. و در شرایطی که قربانیان خشونت در مقابل اقتدارگرایی عاملان خشونت مقاومت نمایند، خشونت‌های خانگی رخ می‌دهد. پژوهشی سیروس احمدی و همکاران (۱۴۰۰) نشان از وجود پنج مقوله محوری «فرهنگ مردسالار و نابرابری جنسیتی نهادینه شده»، «کیفیت تعاملات زوجین»، «مشروعیت بخشی نظام فرهنگی به خشونت»، «استراتژی زنان در مقابله با خشونت» و «بازتولید نگرش‌های مردسالاری نسبت به زنان» است. لذا خشونت‌هایی که از سوی مردان علیه زنان اعمال می‌شود، در هر وضعیتی متأثر از جایگاه قدرتمند مردان در روابط بین فردی و اجتماعی است. مردسالاری به عنوان یک عامل قوی در خشونت علیه زنان تأثیر دارد و خشونت متأثر از نظام مردسالار است.

با توجه به اینکه به دست آوردن آمار واقعی در مورد شیوع و گسترش خشونت خانوادگی در داخل کشور امری دشوار است، و فرهنگ جامعه نیز همواره موضوع خشونت علیه زنان را امری خصوصی در نظر گرفته و زنان قربانی خشونت را به سکوت و مطرح نکردن آن در عرصه عمومی جامعه ترغیب کرده است؛ همچنین منابع رسمی هم تمایلی به بیان آمارهای رسمی در زمینه خشونت ندارند و آمارهای مرتبط با آن را اعلام نمی‌کنند؛ لذا بررسی و تحلیل موضوع خشونت و پیامدهای فردی، خانوادگی و اجتماعی آن از اهمیت اساسی برخوردار است. بنابراین با توجه به اهمیت تأمین امنیت جسمانی، عاطفی و روانی اعضای خانواده و تأثیر آن در ثبات و پایداری و سلامت خانواده و به تبع آن جامعه، شناخت و بررسی کیفی عوامل مؤثر بر خشونت

1. Qualitative study
2. Grounded theory
3. Paradigm model

علیه زنان و پیامدهای آن یک ضرورت اساسی است تا از این طریق ضمن شناسایی علل و زمینه‌های این پدیده از زبان زنان مورد خشونت و مشاهده مشارکتی و بررسی منابع و اسناد مختلف بتوان از زیان‌ها و تبعات جبران‌ناپذیر آن جلوگیری و راهکارها و پیشنهادات لازم جهت کاهش و پیشگیری از آسیب خشونت در خانواده ارائه گردد.

روش پژوهش

تحقیق حاضر یعنی عوامل مؤثر بر خشونت علیه زنان به صورت مطالعه کیفی و بر پایه راهبرد نظریه زمینه‌ای انجام گرفته است. به دلیل تناسب روش‌های کیفی در شناسایی و بررسی زوایای پنهان پدیده‌های اجتماعی و تفسیر تجربه‌های زیسته متفاوت زنان خشونت دیده از روش کیفی استفاده شده است. «به نظر فلیک، تحقیق کیفی مثل تحقیق کمی نیست که فرضیه‌هایتان را از ادبیات موجود استخراج و بعداً آزمون کنید. بلکه در تحقیق کیفی، محقق از اطلاعات و بصیرت‌های مأخوذ از ادبیات موجود به منزله دانش زمینه‌ای استفاده می‌کند، تا در بستر این ادبیات به مشاهدات و گزاره‌های تحقیقش نظر کند» (فلیک، ۱۳۸۸). بنابراین با توجه به اینکه موضوع خشونت علیه زنان، پدیده‌ای پیچیده، چند متغیره و دارای لایه‌های گوناگون است و نیازمند درکی عمیق از خشونت اعمال شده علیه زنان است، تلاش شده از مصاحبه عمیق برای درک و شناخت دقیق‌تر تجربه‌های زنان خشونت دیده استفاده شود؛ یعنی روشی که درصدد درک لایه‌های عمیق و پنهان تجربه‌های زیسته افراد و مشارکت‌کنندگان در این پژوهش است.

در این پژوهش جامعه مورد مطالعه و مشارکت‌کنندگان، زنانی هستند که از سوی شوهران خود به نوعی مورد آزار و خشونت واقع شده و از خشونت شوهران خود به مرکز خدمات اورژانس اجتماعی مراجعه کرده‌اند. در پژوهش کیفی، حجم نمونه به اشباع نظری بستگی دارد، به این معنا که هرگاه محقق به این نتیجه برسد که پاسخ‌ها و یا مصاحبه‌های انجام شده با افراد مطلع و مشارکت‌کنندگان به اندازه‌ای به همدیگر شباهت دارند که به تکراری شدن پاسخ‌ها و یا مصاحبه‌ها منجر شود و داده‌های جدیدی در آن‌ها وجود نداشته باشد، در این حالت، تعداد مصاحبه‌ها کافی و دست از مصاحبه می‌کشیم (محمدپور، ۱۴۰۰). «به اعتقاد سیلورمن، مصاحبه و مشاهده را تا جایی ادامه می‌دهیم که یافته‌های جدیدی در پاسخ مصاحبه و نظرات مصاحبه‌شوندگان وجود نداشته باشد» (سیلورمن، ۱۳۸۱). لذا در این پژوهش، ۲۱ نفر از زنانی که مورد خشونت شوهران خود قرار گرفته و تجربه خشونت خانگی داشته‌اند، مصاحبه به عمل آمد. البته انتخاب این تعداد از افراد برای مصاحبه بر مبنای اشباع داده‌ها صورت گرفت و تا زمانی این مصاحبه‌ها ادامه یافت که احساس شد که اطلاعات جدیدی حاصل نمی‌شود و مطالعه و جمع‌آوری داده‌ها به اشباع نظری رسیده است. در این پژوهش برای انتخاب مشارکت‌کنندگان یا زنان مورد خشونت قرار گرفته، از روش نمونه‌گیری هدفمند استفاده شده است. این روش نمونه‌گیری به پژوهشگر کمک می‌کند تا با مشارکت‌کنندگانی مصاحبه انجام دهد که به طور مستقیم خشونت را دیده و تجربه کرده و در زمینه خشونت خانگی دارای تجربه زیسته هستند. در انتخاب نمونه مورد نظر در این پژوهش ملاک‌های زیر در نظر گرفته شده است: تمایل زنان خشونت دیده به مصاحبه و همکاری در این پژوهش، متأهل بودن، نارضایتی و شکایت از زندگی خانوادگی، مراجعه به مرکز خدمات اورژانس اجتماعی و داشتن تجربه خشونت خانوادگی.

روش اجرا. نظریه زمینه‌ای به منظور توسعه یک نظریه به کار برده می‌شود و این نظریه ریشه در داده‌هایی دارد که به صورت منظم گردآوری و تجزیه و تحلیل شده‌اند. نظریه در طول پژوهش گسترش می‌یابد و این امر از طریق کنش متقابلی که بین جمع‌آوری داده‌ها و تجزیه و تحلیل آن‌ها وجود دارد، میسر می‌گردد. روش تحلیل اطلاعات در نظریه زمینه‌ای شامل کدگذاری داده‌هاست. کدگذاری به معنای روند تجزیه و تحلیل داده‌هاست که به تشکیل مفاهیم، مقوله‌ها، ویژگی‌ها و خصوصیات مقوله‌ها منجر می‌شود (غلامی، ۱۳۹۸). در جمع‌آوری داده‌ها و تجزیه و تحلیل آن‌ها، محقق باید مداوم میان داده‌های جمع‌آوری شده و تحلیل آن‌ها در رفت‌وآمد باشد و به تصحیح و تکمیل یافته‌ها با استفاده از نتایج جدید حاصل از مواجهه با داده‌های نو بپردازد و از فراهم شدن نخستین داده‌ها تا تحلیل نهایی، گام‌هایی برداشته می‌شود. فرایند کدگذاری داده‌ها در سه مرحله کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری گزینشی صورت می‌گیرد. در هر یک از این مراحل، کد یا کدهای الصاق شده باید داده‌های مرتبط با خود را به سطح اشباع برساند. اشباع به پر شدن فضای یک مفهوم یا مقوله و عدم ظهور داده‌های جدید از آن اطلاق می‌شود (محمدپور، ۱۴۰۰). «به نظر استراوس و کوربین^۱، کدگذاری محوری فرایند مرتبط کردن مقوله‌های فرعی به مقوله‌های اصلی‌تر را شامل می‌شود و هدف کدگذاری محوری اتصال مجدد داده‌ها است که طی فرایند کدگذاری باز شکسته شده بودند» (استراوس و کوربین، ۱۹۹۸). بعد از کدگذاری محوری، مرحله نهایی کدگذاری گزینشی است که در این مرحله نظریه تقریباً به استحکام رسیده فرایند یکپارچه‌سازی و پالایش نظریه است. در این مرحله مقوله مرکزی (هسته‌ای) تعیین می‌شود، که مقوله مرکزی حاصل همه تحلیل‌ها را در قالب چند کلمه می‌ریزد و به این ترتیب مقوله هسته‌ای را انتخاب می‌کند. این چند کلمه مشخص می‌کند که کل پژوهش درباره چه چیزی است. بنابراین تجزیه و تحلیل داده‌ها در این پژوهش به شکل کدگذاری داده‌ها در سه سطح کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری گزینشی صورت گرفته، که بعد از مصاحبه با زنان مورد خشونت قرار گرفته و تجزیه و تحلیل اطلاعات بدست آمده از طریق مصاحبه، مفاهیم و مقولات عمده و اصلی مشخص شدند.

یافته‌ها

در این پژوهش بر اساس تجزیه و تحلیل داده‌ها و گفتارهای زنان خشونت دیده و مفاهیم استخراج شده، مقولات عمده مشخص شدند که در اینجا آن‌ها اشاره می‌شود:

مقوله هسته‌ای (مرکزی): «خشونت خانوادگی بازتاب ساختار نابرابر جنسیتی و اجتماعی»

مشخص کردن مقوله مرکزی یکی از مهم‌ترین کارها در بخش کدگذاری است. با توجه به هدف این پژوهش که مطالعه کیفی عوامل مؤثر بر خشونت علیه زنان است، بعد از تعیین مقوله‌های عمده (محوری)، گفتار نظری «خشونت خانوادگی بازتاب ساختار نابرابر جنسیتی و اجتماعی» به عنوان مقوله مرکزی انتخاب گردید. این مقوله به گونه‌ای انتخاب شده که نه تنها همه مقولات عمده و زیر مقولات را دربرمی‌گیرد، بلکه در یک سطح انتزاعی نیز بتواند فرایند پژوهش را توضیح دهد. بنابراین مقوله مرکزی (هسته‌ای) به صورت انتزاعی از مفاهیم موجود در پژوهش، خرده مقولات و مقولات عمده استخراج می‌گردد. به عبارتی در مقوله مرکزی

می‌توان دیگر مقولات انتخاب شده در پژوهش را به آن مرتبط دانست و مقولات دیگر را تحت پوشش قرار می‌دهد.

بر اساس تجزیه و تحلیل داده‌های استخراج شده از مصاحبه عمیق با زنان مورد خشونت قرار گرفته طبق مراحل سه‌گانه کدگذاری، مفاهیم، زیر مقوله‌ها و مقوله‌های عمده تعیین گردید، که در اینجا به برخی از این مقولات عمده که بر اساس نقل قول‌های زنان خشونت دیده استخراج گردیده می‌پردازیم.

۱- اعتیاد شوهر^۱

مریم یکی از زنان مشارکت‌کننده در این پژوهش است که در رابطه با اعتیاد همسر خود و خشونت او در خانواده می‌گوید: همسرش اعتیاد دارد و به مسائل خانوادگی توجهی ندارد و شرایط زندگی و فرزندان برایش اهمیتی ندارد. وقتی به او اعتراض می‌شود، با ما دعوا می‌کند و شروع به رفتارهای خشونت‌آمیز در خانه می‌کند.

لیلا نیز یکی دیگر از زنان مورد مصاحبه در پژوهش است که در این رابطه می‌گوید: تمام فکر و ذکر شوهرش، تهیه مواد مخدر است و به مسائل و مشکلات خانوادگی توجهی ندارد. وقتی از او برای مخارج خانواده، تقاضای پول می‌شود، شروع به کتک زدن ما یا دعوا می‌کند.

۲- مشکلات و اختلالات شخصیتی شوهر

فائزه یکی از مشارکت‌کنندگان در این پژوهش در رابطه با اختلالات شخصیتی شوهر خود می‌گوید: همسر من بسیار بدین و شکاک است و وقتی به خانه می‌آید، اگر لباس‌های من شیک و آرایش داشته باشم، به رفتارهای من شک می‌کند و دچار عصبانیت می‌شود و ناراحت می‌شود و فکر می‌کند که این لباس‌ها را به خاطر کسی پوشیده‌ام و همین بدبینی و سوءظن‌های او باعث رنجش من و فرزندان می‌شود و باعث تضاد و اختلاف و خشونت در خانواده می‌شود.

سوسن یکی دیگر از زنان مورد خشونت قرار گرفته در این پژوهش است، که در رابطه با مشکلات شخصیتی شوهر خود می‌گوید: همسر من از نظر شخصیتی مشکل دارد و نسبت به خانواده مشکوک و بی‌اعتماد است و همین بی‌اعتمادی او، آرامش را از خانواده گرفته است و زندگی خودش و ما را به جهنم تبدیل کرده است. بنابراین همان‌طور که از اظهارات مشارکت‌کنندگان در این پژوهش برمی‌آید، مشکلات و اختلالات شخصیتی شوهران تأثیرات مهمی در تشدید رفتارهای خشونت‌آمیز علیه زنان دارد و روابط خانوادگی را به مخاطره می‌اندازد، که این عامل در کنار عوامل زمینه‌ساز افزایش خشونت خانوادگی می‌گردد.

۳- ازدواج اجباری و زودهنگام

فائزه یکی از مشارکت‌کنندگان در این پژوهش در رابطه با ازدواج تحمیلی خود می‌گوید: ازدواج من بیشتر به خواست والدین و برادرم صورت گرفت و خود من نقش اساسی در انتخاب نداشته‌ام و خانواده‌ام او را تأیید کردند و من هم به ازدواج رضایت دادم. که از همان اوایل تضاد و اختلاف و درگیری با هم داشتیم.

طاهره هم یکی از زنان خشونت دیده است که در رابطه با ازدواج تحمیلی خود می‌گوید: ازدواج من از همان ابتدا بر اساس علاقه و میل باطنی نبود و هیچ‌گونه علاقه‌ای به همسر خود نداشتم و ازدواج ما بیشتر بر

اساس روابط فAMILI بود و خانواده‌ام می‌گفتند که فAMILI از غریبه بهتر است، که به مرور تضاد و اختلافات ما در زندگی بیشتر شد و او همواره من را مورد توهین و خشونت قرار می‌داد. بنابراین همان‌طور که از گفته‌های زنان مشارکت‌کننده در این پژوهش برمی‌آید، ازدواج اجباری و تحمیلی و ازدواج در سنین پایین و بی‌توجهی به خواست و نظرات زوجین در انتخاب همسر مورد نظر خود، نقش مهمی در بروز و افزایش اختلافات و تنش‌ها و بروز خشونت خانوادگی دارد.

۴- نگرش و تفکر مردسالاری در خانواده

زبنا یکی از زنان مصاحبه‌شونده در این پژوهش در رابطه با نگرش مردسالاری در خانواده می‌گوید: حرف‌ها و تصمیمات شوهرم باید در خانواده اجرا شود، تا مخالفتی با او می‌شود، شروع به توهین و رفتار خشونت آمیز می‌کند. من و فرزندانم به خاطر حفظ آبرو و آرامش آن‌ها مجبوریم سکوت کنیم، چون اگر مخالفتی با کارهای او شود، تهدید به خشونت می‌کند.

معصومه نیز یکی دیگر از زنان مشارکت‌کننده در پژوهش است که تجربه خشونت و مردسالاری در خانواده را داشته، که در این زمینه می‌گوید: کسی حق ندارد در خانواده روی حرف او، حرفی بزند. زن از نظر او باید مطیع و زیردست شوهر باشد و معتقد است که کار زن تربیت بچه و توجه به شوهر است. هرگونه مخالفتی با او باعث افزایش درگیری و خشونت در خانواده می‌شود.

با توجه به گفته‌های زنان مشارکت‌کننده در این پژوهش، حاکم بودن تفکر و نگرش مردسالاری در بعضی از خانواده‌ها و در بیشتر مناطق روستایی، به مردان قدرت و منزلت خاصی می‌دهد و آنان بر اساس این قدرت پذیرفته شده در خانواده و جامعه، اعمال قدرت و خشونت را امری عادی و طبیعی دانسته، که این امر زمینه را برای اعمال خشونت در خانواده فراهم می‌کند.

۵- ترس از طلاق^۱ (تنگ بودن طلاق)

ندا یکی از مشارکت‌کنندگان در این پژوهش در رابطه با تنگ بودن طلاق می‌گوید: خانواده‌ام با طلاق و جدایی کاملاً مخالف هستند. اگر تقاضای طلاق کنم، خانواده‌ام با من رفتار خوبی نخواهند داشت و از من حمایتی نمی‌کنند زیرا آن‌ها طلاق را تنگ و عار می‌دانند، به این خاطر مجبور هستم که تحمل کنم.

شیرین نیز یکی دیگر از زنان مورد مصاحبه است که در رابطه با ناپسند بودن طلاق می‌گوید: به خاطر بچه‌ها و مشکلاتی که بعد از طلاق برای آن‌ها در مدرسه و جامعه ایجاد شود، تمایل به طلاق ندارم. زیرا جامعه و اطرافیان رابطه و نگاه خوبی نسبت به من و بچه‌های طلاق ندارند. به همین خاطر ترجیح می‌دهم در هر شرایطی با رفتارهای شوهرم کنار بیایم.

طبق نظریه داغ‌ننگ^۲ گافمن، زنان با طلاق گرفتن از شوهر خود در یک جامعه مخصوصاً مردسالار، انگشت‌نما می‌شوند. درواقع این اصطلاح اشاره به ویژگی‌هایی برای افراد دارد که باعث شرایط بدنام‌کننده و ننگ‌آور برای افراد است. لذا در جوامع مردسالار، طلاق ابزار قدرتی در اختیار مرد است و مرد هر زمان که خواست همسر خود را طلاق دهد. و حتی اگر زن هم طلاق بگیرد، باز ننگ طلاق برای زن و خانواده آن باقی است.

1. Fear of divorce

2. Theory of stigma

۶- بیکاری همسر

مینا یکی از مشارکت‌کنندگان در این پژوهش در ارتباط با بیکاری شوهر خود و بروز اختلافات خود می‌گوید: شوهرم بعد از تعطیل شدن شرکتی که در آن کار می‌کرد، کار خود را از دست داده و درآمد مشخصی ندارد و بیشتر مواقع در خانواده است. وقتی به او اعتراض می‌کردم که دنبال کار و درآمدی باشد، شروع به دعوا و سروصدا می‌کرد، که این باعث تضاد و درگیری و افزایش خشونت در خانه شد.

زیبا هم یکی از زنان مورد مصاحبه در این پژوهش است که در رابطه با بیکاری همسر خود می‌گوید: به دلیل بیکاری شوهرم، شرایط زندگی ما سخت می‌گذرد و شوهرم تلاشی برای پیدا کردن کار نمی‌کند و بیشتر با دوستان خودش هست. وقتی به او ایراد می‌گیرم و تقاضای مخارج خانه را می‌کنم، عصبانی می‌شود و شروع به دعوا و توهین می‌کند.

«عدم ایجاد فرصت‌های شغلی و بروز بحران بیکاری^۱، پیامدها و عواقب خطرناکی دارد و باعث بروز بحران‌ها و چالش‌هایی نظیر افزایش بزهکاری، خشونت، خودکشی، بحران اعتیاد، بحران فقر و نابرابری و شکاف طبقاتی، پیدایش مسئله حاشیه‌نشینی و... می‌شود» (میری آشتیانی، ۱۳۸۲).

«بر اساس نظریه منابع^۲، شوهرانی که فاقد منابع دیگر قدرت از قبیل درآمد کافی، شغل ارضاء کننده و تحصیلات بالا هستند، از خشونت علیه زنان به عنوان ابزاری جهت کسب قدرت در روابط خانوادگی خود استفاده می‌کنند» (احمدی، ۱۳۸۷).

۷- عدم حمایت خانوادگی^۳ و اطرافیان

لیلا یکی از مشارکت‌کنندگان در این پژوهش در رابطه با عدم حمایت خانواده و اطرافیان می‌گوید: هر موقع از رفتارهای خشن و تند شوهرم با خانواده‌ام صحبت می‌کنم و از آن‌ها کمکی می‌خواهم، از من حمایت نمی‌کنند و می‌گویند این مشکلات و اختلافات‌ها در همه خانواده‌ها وجود دارد، بهتر است به خاطر بچه‌ها و خودت با شوهرت زندگی کنی. به مرور رفتارش اصلاح خواهد شد.

مونا نیز در رابطه با خشونت خانوادگی و عدم حمایت والدین می‌گوید: به خاطر اعتیاد شوهرم، چند بار بین من و همسرم دعوا شد، که مجبور شدم از خانه قهر کنم. ولی پدر و مادرم تنها چند روز از من حمایت کردند و از من خواستند که بهتر است به خاطر شرایط زندگی و فرزندانم به زندگی برگردم و از من حمایت جدی نکردند.

از نظر جامعه‌شناسان، ساختار اجتماعی غلط و شرایط نامناسب خانوادگی و عدم حمایت والدین از زنان نقش مهمی در گرایش شوهران به استفاده از خشونت دارد. وجود ارزش‌ها و فرهنگ حاکم که استفاده مردان از خشونت در خانواده را عادی تلقی می‌کند، زمینه را برای مشروع ساختن و عادی‌سازی استفاده از خشونت فراهم می‌کند. در چنین شرایط و ساختاری، مردان برای حفظ جایگاه و موقعیت خود از خشونت به شکل‌های مختلف استفاده می‌کنند و زمینه برای خشونت‌پذیری زنان فراهم می‌شود.

1. Unemployment crisis
2. Theory of Resources
3. Lack of family support

۸- نقش جامعه‌پذیری و تربیت اجتماعی

زهرای یکی از مشارکت‌کنندگان در این پژوهش در رابطه با نحوه تربیت اجتماعی شوهر خود می‌گوید: شوهرم خیلی اهل رفت‌وآمد و معاشرت با دیگران نیست و روابط اجتماعی ما با اقوام بسیار محدود است و همین موضوع و سوءظن و بی‌اعتمادی که داشتند، یکی از عواملی بود که باعث اختلاف و درگیری ما در خانواده می‌شد.

نسرین هم یکی دیگر از زنان مورد مصاحبه بود که درباره تربیت اجتماعی همسر خود می‌گوید: شوهرم در خانواده‌ای بزرگ شده که خیلی به نظرات زن توجه نمی‌کند و دوست دارد که زن در خانه بیشتر مطیع و فرمانبر باشد. رفتار پدرش هم با مادرش همین شکل است. اگر نظر و صحبتی خلاف نظر او باشد، عصبانی می‌شود و شروع به سروصدا و پرخاش می‌کند.

از نظر مرتون، انواع رفتارهای انحرافی حاصل شرایط بی‌هنجاری جامعه است. به نظر وی، فرد در نتیجه اجتماعی شدن (جامعه‌پذیری)، هدف‌های مهم فرهنگی و نیز راه‌های دستیابی به این اهداف فرهنگی مورد قبول را فرامی‌گیرند. لذا هرگاه راه‌های مقبول دستیابی به این هدف‌ها برای فرد فراهم نباشد، فرد ناچار می‌شود که راه‌های دیگری را برای دستیابی به اهداف خود از پیش بگیرد و ممکن است که رفتارهایی از فرد سر بزند که به انحراف اجتماعی منجر گردد» (ستوده، ۱۳۷۸).

۹- شرایط نامناسب اقتصادی^۱ خانواده

فاطمه یکی از زنان مورد مصاحبه در رابطه با شرایط نامطلوب اقتصادی و خشونت در خانواده می‌گوید: شوهرم درآمد اقتصادی مناسبی ندارد و مدت زیادی بیکار است و مشکلات اقتصادی روزبه‌روز بیشتر می‌شود و این موضوع عصبانیت او را بیشتر کرده است، وقتی بحث مخارج خانواده مطرح می‌شود و تقاضای پول برای ضروریات خانه از او می‌شود، شروع به پرخاشگری می‌کند.

رؤیا هم یکی دیگر از مشارکت‌کنندگان در رابطه با شرایط نامناسب اقتصادی خود می‌گوید: مستأجر هستیم و درآمد اقتصادی شوهرم ضعیف است. به همین خاطر اجاره‌ها عقب می‌افتد و صاحب‌خانه‌ام مداوم ایراد می‌گیرد. همین موضوعات باعث اختلاف در خانواده شده و شوهرم عصبانی می‌شد و از الفاظ تند و خشن استفاده می‌کرد.

«فلمینگ^۲ (۱۹۷۹) در مطالعات خود تأکید می‌کند که همسر آزاری در خانواده‌های دارای وضعیت اقتصادی - اجتماعی پایین رایج‌تر است. هرچه موقعیت شغلی و طبقه اجتماعی شوهران پایین‌تر باشد، احتمال بروز خشونت خانگی آن‌ها بیشتر است. به عنوان نمونه مردان با مشاغل کارگری به‌طور معنادار سطوح بالاتری از خشونت خانگی دارند. زنان آن‌ها نیز چهار برابر زنان طبقه بالا، بدرفتاری شوهران را گزارش کرده‌اند» (فلمینگ، ۱۹۷۹).

1. Unfavorable economic conditions

2. Fleming

۱۰- مشاهده و تجربه خشونت^۱

ندا یکی از زنان مشارکت‌کننده در این پژوهش در این رابطه می‌گوید: پدرشوهرم بارها خانمش را کتک زده و خشونت را امری عادی در خانواده می‌دانند، به همین خاطر شوهرم هم از رفتارهای خشونت‌آمیز استفاده می‌کند و از پدرش یاد گرفته و سعی می‌کند شبیه او همان رفتارهای خشن را انجام دهد و این کار را طبیعی می‌داد.

فریده هم یکی دیگر از زنان مورد مصاحبه است که در این زمینه می‌گوید: شوهرم از کودکی شاهد اذیت و آزار مادرش توسط پدرش بوده و کتک زدن در این خانواده خیلی راحت است و آن را شجاعت و نشانه مردی می‌دانند. به همین خاطر خشونت را از پدرش ارث برده و سعی می‌کند با ما هم رفتار خشن داشته باشد و خشونت را از آن‌ها یاد گرفته است.

«طبق نظریه یادگیری اجتماعی باندورا، در خانواده‌هایی که اعضای آن در دوران کودکی شاهد خشونت والدین خود بوده و یا آن را تجربه کرده‌اند، احتمال بروز خشونت بیشتری وجود دارد. در واقع این نظریه به سابقه مشاهده و تجربه خشونت در خانواده اشاره می‌کند. این تجربه می‌تواند از طریق خانواده و علاوه بر آن از طریق محتوایی که رسانه‌ها از جمله ماهواره‌ها، تلویزیون، شبکه‌های اجتماعی و به‌خصوص بازی‌های رایانه‌ای و ویدئویی ارائه می‌کنند، شکل گرفته و به مرور زمان تقویت می‌شود.» (جعفری و همکاران، ۱۳۹۵).

بحث و نتیجه‌گیری

یکی از عوامل مهم در بروز و افزایش خشونت علیه زنان، اعتیاد همسر است. پژوهش‌های مختلف نشان می‌دهد که یکی از عوامل مهم و تأثیرگذار در ایجاد اختلافات خانوادگی و افزایش تنش‌ها و خشونت خانوادگی، مصرف مواد مخدر است. به بیان دقیق‌تر به هر نوع آسیب اجتماعی از جمله خشونت خانوادگی نگاه می‌شود، نقش مهم اعتیاد و مصرف مواد مخدر کاملاً مشخص است. «شخصیت افراد معتاد در دوران اعتیاد تغییر می‌یابد، آن‌ها اعتماد به نفس خود را از دست می‌دهند. مردان معتاد به علت محدودیت‌های شدید و برخی از کنترل‌های سختی که بر رفتارهای آن‌ها اعمال می‌شود، مرتکب خشونت علیه خانواده می‌شوند. عملکرد خانواده معتادان بسیار پایین‌تر از خانواده‌های عادی می‌باشد؛ بنابراین فرد معتاد برای نجات از این وضعیت از خشونت استفاده می‌کند» (فیلد، ۲۰۰۳). یکی از عواملی که در ارتباط با خشونت خانوادگی مطرح می‌شود، مشکلات و اختلالات شخصیتی^۲ همسر می‌باشد که می‌تواند نقش مؤثری در ایجاد خشونت علیه زنان داشته باشد و زمینه بروز خشونت در خانواده را بیشتر کند. به عنوان نمونه بدبینی و شکاک بودن شوهر و سوءظن‌های او در خانواده یکی از مشکلات شخصیتی است که همه روابط خانوادگی را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد و مشکلاتی را برای زن و فرزندان ایجاد می‌کند و روابط خانوادگی را دچار تضاد و اختلاف می‌کند و زمینه و شرایط بروز رفتارهای خشونت‌آمیز را علیه افراد خانواده تشدید می‌کند.

اختلالات شخصیتی مجموعه‌ای از اختلالات روان‌شناختی است که هم باعث آسیب رسیدن به خود فرد و هم به دیگران می‌شود و در سازگاری‌های فرد با دیگران موانع و محدودیت‌هایی را ایجاد می‌کند و در روابط فرد با دیگران اختلال ایجاد می‌کند و باعث می‌شود که فرد نتواند روابط سالم و مناسبی با دیگران داشته

1. Seeing and experiencing violence

2. Personality disorders

باشد. به عنوان نمونه فردی که شخصیت ضداجتماعی دارد، روابط او با دیگران را مختل می‌سازد و در درون خانواده هم به تشدید خشونت با اعضای خانواده منجر می‌شود. ازدواج اجباری^۱، ازدواجی است که بدون رضایت واقعی یک یا دو طرف انجام گرفته است و حق آزادی انتخاب همسر مورد نظر را از آن‌ها سلب کرده و همین امر نارضایتی و خشونت را در خانواده افزایش می‌دهد و از مصادیق خشونت خانوادگی محسوب می‌شود. «ازدواج اجباری و تحمیلی یکی از عوامل مؤثر در خشونت علیه زنان است. امروزه ازدواج در بعضی جوامع به صورت یک معامله با تشریفات خاصی درآمده است و حتی در بعضی ازدواج‌ها، دختر و پسر نقش چندان در انتخاب همدیگر نداشته و این ازدواج‌ها بر اساس مصالح خانواده صورت گرفته است که نتیجه آن عدم تفاهم در زندگی زناشویی و درگیری و اختلاف و درنهایت خشونت خانگی است» (بگریزی و همکاران، ۱۳۹۷). یکی از عوامل مهمی که در ارتباط با خشونت خانوادگی مطرح می‌شود، وجود نگرش مردسالاری^۲ در خانواده است. این باور و نگرش در خانواده، اعمال خشونت علیه زن را طبیعی و عادی دانسته و آن را توجیه می‌کند. و مردان نیز بر اساس این قدرت پذیرفته شده در جامعه و خانواده، به اعمال قدرت گرایش پیدا می‌کنند و زنان نیز در خانواده باید این قدرت را بپذیرند و تبعیت کنند.

«در نظام اجتماعی مردسالار^۳، نقش زنانگی با ویژگی‌هایی نظیر وابستگی، تابعیت، تحت تکفل بودن، جذابیت جنس زنان برای مردان و نقش مردانگی نیز با خصوصیات مانند سلطه و میل به قدرت‌طلبی، کامیاب شدن مرد از زن به عنوان یک حق متعارف از ریشه‌های خشونت‌پذیری زنان و خشونت‌گری مردان است» (زاهدی اصل، ۱۳۹۷).

یکی از عواملی که مشارکت‌کننده‌ها در این پژوهش مطرح کردند، ترس از طلاق و پیامدهای آن و ناپسند بودن این پدیده در بین مردم و خانواده‌ها است و مشکلاتی که بعد از جدایی برای زنان در خانواده‌ها و جامعه وجود دارد، که این عوامل باعث می‌شود که آن‌ها تحت هر شرایطی به زندگی خود با همسرشان ادامه دهند و اعمال خشونت در خانواده را تحمل کنند و با شرایط نه زندگی خود کنار بیایند. «طلاق را از مهم‌ترین پدیده‌های حیات انسانی تلقی می‌کنند. این پدیده دارای اضلاعی به تعداد تمامی جوانب و اضلاع جامعه انسانی است. نخست اینکه طلاق یک پدیده روانی است، زیرا بر تعادل روانی دو انسان، بلکه فرزندان، بستگان، دوستان و نزدیکان آن‌ها اثر می‌نهد. همچنین پدیده‌ای اقتصادی است، چون به گسست خانواده به عنوان یک واحد اقتصادی می‌انجامد و اما تعادل روانی انسان‌ها، موجبات بروز اثراتی سهمگین در حیات اقتصادی آنان را نیز فراهم می‌سازد» (ساروخانی، ۱۳۷۱).

بیکاری^۴ یکی از عواملی است که در ارتباط با خشونت خانوادگی طرح می‌شود و نقش مهمی در ایجاد خشونت علیه زنان دارد، به این معنا که وقتی فرد فاقد شغل و درآمد است و توانایی پاسخگویی به نیازها و مشکلات اقتصادی خانواده را ندارد، این امر زمینه را برای افزایش اختلافات خانوادگی و درنهایت درگیری و خشونت خواهد کرد.

1. Forced marriage
2. Patriarchal attitude
3. Patriarch
4. Unemployment

وقتی افراد جامعه درآمد کافی برای گذران زندگی ندارند و ناچار هستند به نحوی زندگی خود را بگذرانند و نمی‌توانند درآمد خود را از راه‌های قانونی و مقبول تأمین نمایند، لذا برای گذران معاشی و تأمین نیازهای اقتصادی خانواده، متوسل به راه‌های غیرقانونی و گاهاً غیراخلاقی می‌شوند که خود این امر عاملی بروز آسیب‌های اجتماعی و خشونت خانوادگی است. یکی از عواملی که در ارتباط با خشونت علیه زنان توسط مشارکت‌کنندگان در این پژوهش مطرح شده، عدم حمایت خانوادگی از زنان مورد خشونت قرار گرفته است. به این معنا که زنان مطرح می‌کردند از سوی والدین و خانواده و اطرافیان حمایتی از آن‌ها صورت نمی‌گیرد، که این امر زمینه را برای افزایش خشونت شوهران در خانواده فراهم می‌کند. «خانواده در ایران دارای ویژگی خصوصی خاصی است که به موجب آن روابط بین اعضای خانواده یک رابطه خصوصی تلقی می‌شود که دیگران اجازه دخالت در آن را ندارند. محدوده خصوصی خانواده در روابط میان افراد تنها محدود به محیط خانه نمی‌شود، بلکه خصلت خصوصی بودن رفتار خانوادگی حتی بیرون از خانواده هم وجود دارد؛ به‌طوری‌که اگر حتی رفتار خانوادگی در اماکن عمومی نیز صورت گیرد، دیگران از دخالت مستقیم در آن خودداری کرده و احیاناً به نصیحت یا سرزنش اکتفا می‌کنند» (اعزازی، ۱۳۸۳).

یکی از عواملی که زمینه بروز اختلافات خانوادگی و درگیری‌ها را در محیط خانواده فراهم می‌کند، نقص جامعه‌پذیری^۱ و تربیت اجتماعی زوجین است. به این معنا که اگر نحوه تربیت اجتماعی همسران مطلوب نباشد و افراد به‌درستی در محیط خانوادگی و آموزشی، تربیت و آموزش‌های صحیح را فرا نگرفته باشند، باعث تشدید تضادها و اختلافات خانوادگی خواهد بود. «از آنجا که فرایند جامعه‌پذیری^۲ از محیط خانواده، نظام تعلیم و تربیت و زندگی گروهی جامعه تأثیر می‌پذیرد، لذا رابطه و تعامل میان نهادها و یگانگی یا تعارض میان آن‌ها، در پرورش ظرفیت فرد برای سازگاری و تطبیق با محیط بسیار تعیین‌کننده است. به عبارتی اگر خانواده و سنت‌های حاکم بر آن، با جامعه و ملاک‌های مورد قبول آنان تعارض داشته باشد، به‌طوری‌که فراگرد پذیرش ارزش‌ها و هنجارها توسط فرد دچار تضاد و تنش گردد، می‌توان پیش‌بینی کرد که حاصل کار، واگرایی و ناهمگونی خواهد بود که بعضاً زمینه انحراف و تخطی از هنجارها و ارزش‌ها را فراهم می‌آورد» (میری آشتیانی، ۱۳۸۲).

یکی از عواملی که مشارکت‌کنندگان در این پژوهش در ارتباط با خشونت خانوادگی مطرح کردند، وجود شرایط نامناسب و مشکلات اقتصادی در خانواده است. نداشتن درآمد نامناسب و نابسامانی‌های اقتصادی در خانواده از عوامل مهم در بروز اختلافات و تنش‌های خانوادگی است. مطالعات و بررسی‌های مختلف هم بیانگر آن است که شرایط نامطلوب اقتصادی^۳ با افزایش خشونت خانوادگی رابطه نزدیک دارد و شرایط اقتصادی نامناسب نقش مهمی در اعمال خشونت‌های خانوادگی دارد. «گیلهام معتقد است که وضعیت شغلی و شرایط نامطلوب اقتصادی از عوامل مهم در بروز خشونت علیه زنان است. معمولاً افراد بیکار و فاقد درآمد، با احتمال بیشتری اقدام به خشونت علیه زنان می‌کنند. افراد شاغل چون دارای اعتمادبه‌نفس بالاتری هستند، رفتار خشونت‌آمیز کمتری دارند. هرچه میزان وضعیت اقتصادی فرد بدتر باشد، محدودیت‌های بیشتری دارد و خشونت بیشتری در مورد خانواده، به خصوص همسر اعمال می‌کند» (گلز، ۱۹۹۷).

1. Deficiency of socialization
2. Socialization Process
3. unfavorable economic conditions

یکی از عواملی که زمینه خشونت خانوادگی را فراهم می‌کند، مشاهده خشونت والدین و تجربه خشونتی که در گذشته داشته‌اند. به این معنا که افرادی که شاهد خشونت والدین خود بوده یا خشونت را تجربه کرده‌اند، احتمال بروز خشونت در آن‌ها بیشتر است. که این موضوع نیز با زنانی که مورد خشونت قرار گرفته و با آن‌ها مصاحبه به عمل آمده نیز مطرح گردید. «بررسی‌های متعدد نشان می‌دهد که افراد خشن در دوران کودکی، قربانی یا شاهد خشونت بوده‌اند. به این ترتیب خشونت خانوادگی به یک فرد ختم نمی‌شود، بلکه فرد در بزرگسالی و پس از تشکیل خانواده نیز همان رفتار را فرا گرفته و در خانواده آن را در حل تعارض‌ها و تنش‌های خانوادگی هم به کار می‌برد. پدیده‌ای که از آن در جامعه‌شناسی تحت عنوان «گردش خشونت» یاد می‌کنند» (اعزازی، ۱۳۸۳).

واقعیت این است که خشونت خانوادگی پدیده‌ای چندعاملی و چندمتغیری است و محصول عوامل، شرایط و زمینه‌های مختلفی است که باید این پدیده را در این شرایط و مجموعه عوامل و نظریات بررسی کرد. اما تا زمانی که ارزش‌ها و نگرش‌های خشونت در جامعه وجود دارد و تحمیل می‌گردد و ساختار جامعه بر اساس نابرابری اجتماعی و جنسیتی استوار باشد و دگرگونی‌های اساسی در قوانین حمایت از زنان ایجاد نشود و اعمال خشونت علیه زنان مورد تقبیح قرار نگیرد، امکان برخورد کامل با این پدیده وجود ندارد. لذا با توجه به نتایج و یافته‌های به دست آمده از این پژوهش کیفی، پیشنهادها و راهکارهای زیر جهت مقابله و کاهش پدیده خشونت علیه زنان ارائه می‌شود: برگزاری کارگاه‌ها جلسات مهارت‌های زندگی و مشاوره‌های پیش از ازدواج جهت افزایش آگاهی و شناخت زوجین از هم و برخورد با یکدیگر مخصوصاً در اوایل زندگی، احداث و ایجاد مراکز و خانه‌های امن برای زنان آسیب‌دیده از خشونت، افزایش توانمندسازی زنان به ویژه زنان در معرض خشونت در داخل و خارج از خانواده از طریق تحصیل و اشتغال، لزوم تدوین و تصویب قوانین نظارتی و حمایتی و سخت‌گیرانه توسط نهادهای دولتی و مدنی در مورد خشونت‌های خانوادگی، ایجاد مکان‌ها و فضاهای خوداشتغالی و کارآفرینی برای کمک به زنان جهت حمایت و استقلال اقتصادی بیشتر آن‌ها، افزایش و ترغیب حمایت‌های خانوادگی، اجتماعی، قانونی و اقتصادی و شغلی از زنان خشونت دیده، ارتقای سطح فرهنگی و نگرشی جامعه نسبت به جایگاه شخصیتی زنان، افزایش آگاهی‌ها و آموزش‌های لازم و کاربردی به خانواده‌ها نسبت به ازدواج فرزندان و نشان دادن عواقب و پیامدهای نامطلوب ازدواج‌های اجباری و تحمیلی، اصلاح و رفع خلأهای قانونی برخورد با خشونت‌های خانوادگی و افزایش ضمانت اجرایی قوانین، تغییر باورها و عقاید و نگرش‌های فرهنگی نسبت به رعایت حقوق زنان، روابط زناشویی، حقوق و احترام متقابل در خانواده توسط رسانه‌های جمعی و نهادهای آموزشی و فرهنگی، تأکید بر مسئولیت نظام سلامت و ارتقاء آموزش توانمندسازی کارکنان و پزشکان برای کمک به آسیب دیدگان و زنان آسیب‌دیده و در معرض خشونت، اشاعه فرهنگ استفاده از خطوط مشاوره تلفنی و خدمات مددکاری اجتماعی و مشاوره خانواده در جهت کاهش خشونت‌های خانوادگی، معرفی نهادها و سازمان‌های مرتبط با پیشگیری از خشونت‌های خانوادگی و معرفی وظایف و اهداف آن‌ها به مردم و برنامه‌ریزی‌های لازم جهت کاهش مشکلات بیکاری و رفع مشکلات اقتصادی مردم.

موازین اخلاقی

در این پژوهش کلیه موازین اخلاقی نظیر رازداری و محرمانه ماندن اطلاعات مشارکت‌کنندگان رعایت شده است.

سپاسگزاری

نویسندگان پژوهش حاضر از کلیه کسانی که آنان را در انجام این پژوهش یاری رساندند کمال سپاس و تشکر دارند.

مشارکت نویسندگان

در تدوین این مقاله همه نویسندگان در طراحی، مفهوم‌سازی، روش‌شناسی، گردآوری داده‌ها، تحلیل آماری داده‌ها و نهایی سازی نقش داشتند.

تعارض منافع

بنا بر اظهار نویسندگان، این مقاله حامی مالی و تعارض منافع ندارد.

منابع

- آبوت، پاسلا و والاس، کلر (۱۳۸۵)، فرهنگ واژه‌ها و اصطلاحات در جامعه‌شناسی زنان، ترجمه منیژه نجم عراقی، تهران، نشر نی.
- احمدی، حبیب (۱۳۸۷)، جامعه‌شناسی انحرافات، تهران، انتشارات سمت.
- احمدی، سیروس و همکاران (۱۴۰۰)، خشونت علیه زنان: حاکمیت ایدئولوژی مردسالار و هژمونی سلطه مذکر (مطالعه موردی: زنان شهر بوشهر)، فصلنامه زن در توسعه و سیاست، ۹(۴)، ۱-۲۰.
- استراوس، آنسلم و کروبین، جولیت (۱۴۰۰)، مبانی پژوهش کیفی و فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای، ترجمه ابراهیم افشار، چاپ نهم، تهران، نشر نی.
- اعزازی، شهلا (۱۳۸۰)، خشونت خانوادگی زنان کتک‌خورده، تهران، انتشارات سالی.
- اعزازی، شهلا (۱۳۸۳)، خشونت خانوادگی، خشونت اجتماعی، (کتاب بررسی مسائل اجتماعی ایران)، تهران، پیام نور.
- بگرضایی، پرویز و همکاران (۱۳۹۷)، مطالعه کیفی پدیده خشونت خانگی علیه زنان (مورد مطالعه زنان مراجعه‌کننده به مرکز خدمات اورژانس اجتماعی شهر ایلام)، مجله مطالعات اجتماعی ایران، ۱۱(۳)، ۳۳-۱۷.
- جاوید، نورمحمد و همکاران (۱۳۸۷)، بررسی پدیده همسر کشی زنان، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، شماره سیزدهم.
- جعفری، نسیم و همکاران (۱۳۹۵)، خانواده و آسیب رسانه‌ای رایانه و اینترنت، اصفهان، انتشارات یارمانا.

حاج نصیری، حمیده و همکاران (۱۳۹۵)، خشونت‌های جسمی، جنسی و عاطفی در میان زنان ایرانی: مرور سیستماتیک و متا آنالیز، مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی کردستان، (۲۴)، ۱۹-۳۴.

حسینی، سید هادی و همکاران (۱۳۹۸)، تبیین جامعه‌شناختی خشونت علیه زنان: مطالعه تجربی، فصلنامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، (۲)، ۲۲-۵۰.

رحمانیان، مرضیه (۱۳۸۹)، تأثیر مقابله درمانگری بر میزان افسردگی و ناامیدی زنان قربانی خشونت خانوادگی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، پیام نور تهران.

رئیس، سمیه (۱۳۹۱)، بررسی کیفی خشونت علیه زنان بلوچ ایرانشهر: کاربرد روش‌شناسی نظریه زمینه‌ای، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه شهید باهنر کرمان.

زاهدی اصل، محمد (۱۳۹۷)، آسیب‌های اجتماعی از منظر مددکاری اجتماعی، تهران، انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی.

زمانی مقدم، مسعود و حسونندی، صبا (۱۳۹۸)، مطالعه کیفی خشونت خانگی علیه زنان خانه‌دار در شهر خرم‌آباد، فصلنامه علمی پژوهشی زن و جامعه، (۳)، ۱۰-۲۳-۳۳.

زنجانی زاده، هما و صالح‌آبادی، ابراهیم (۱۳۹۳)، بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر خشونت خانگی علیه زنان در مشهد، فصلنامه توسعه اجتماعی، (۲)، ۹-۳۲-۶۰.

زنگنه، محمد (۱۳۸۰)، بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر خشونت شوهران علیه زنان در خانواده‌های بوشهر، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز، دانشکده علوم اجتماعی.

ساروخانی، باقر (۱۳۷۲)، طلاق: پژوهشی در شناخت واقعیت و عوامل آن، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.

ستوده، هدایت‌الله (۱۳۷۸)، آسیب‌شناسی اجتماعی (جامعه‌شناسی انحرافات)، تهران، انتشارات آوای نور.

ستوده، هدایت‌الله (۱۳۸۶)، جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران، تهران، ندای آریانا.

شاه‌حسینی، فرشته (۱۳۷۳)، میزگرد خشونت، بحثی درباره علل و ابعاد، مجله جامعه سالم، شماره ۱۷.

شکرپیگی، عالیه و مستمع، رضا (۱۳۹۳)، فرا تحلیل مطالعات انجام شده پیرامون خشونت علیه زنان، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره پانزدهم، شماره ۲.

صدیق سروسستانی، رحمت‌الله (۱۳۸۶)، آسیب‌شناسی اجتماعی (جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی)، تهران، سمت.

علی‌پوردی‌نیا، اکبر و همکاران (۱۳۹۰)، تحلیل اجتماعی خشونت شوهران علیه زنان: مدلی نظری و آزمون تجربی، فصلنامه مسائل اجتماعی ایران، سال دوم، شماره ۲.

غضنفری، فیروزه (۱۳۸۹)، عوامل مؤثر بر خشونت علیه زنان در استان لرستان، فصلنامه علمی پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی استان لرستان، دوره دوازدهم، شماره ۲.

غلامی، علی (۱۳۹۸)، واکاوی عوامل مؤثر بر خشونت علیه زنان متأهل شهر اهواز: یک پژوهش کیفی، پایان‌نامه دکتری رشته مشاوره، دانشگاه شهید چمران اهواز، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی.

غلامی، علی و همکاران (۱۳۹۶)، واکاوی عوامل مؤثر بر خشونت علیه زنان متأهل شهر اهواز، فصلنامه پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال یازدهم، شماره ۴.

فلیک، اووه (۱۳۸۸)، درآمدی بر تحقیق کیفی، ترجمه هادی جلیلی، چاپ دوم، تهران، نشر نی.

محمدپور، احمد (۱۴۰۰)، ضد روش: زمینه‌های فلسفی و رویه‌های عملی در روش‌شناسی کیفی، تهران، نشر لوگوس.

- مساواتی آذر، مجید (۱۳۸۳). آسیب‌شناسی اجتماعی ایران (جامعه‌شناسی انحرافات)، تبریز، فروزش.
- معظمی، شهلا (۱۳۸۱)، همسر کشی، سلسله مقالات اولین همایش آسیب‌شناسی اجتماعی در ایران، جلد سوم، تهران، نشر آگه.
- میری آشتیانی، الهام (۱۳۸۲)، مقدمه‌ای بر آسیب‌شناسی مسائل اجتماعی ایران، تهران، فرهنگ گفتمان.
- همتی، رضا (۱۳۸۳)، عوامل مؤثر بر خشونت مردان علیه زنان، فصلنامه رفاه اجتماعی، ۳(۱۲)، ۳۵-۶۱.
- هوشمند، مهرداد (۱۳۸۳)، رابطه خانه و مدرسه، تعاملی دو طرفه، مجله پیوند، سازمان مرکزی انجمن اولیاء و مربیان، وزارت آموزش و پرورش، (۲)، ۳۲۰-۳۰۲.
- هوشمند، مهرداد (۱۳۸۴)، بررسی عدم استقبال اولیای دانش‌آموزان از کلاس‌های آموزش خانواده، فصلنامه فرهنگ همدان، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان همدان، ۱۱(۳۸)، ۳۹-۵۹.

References

- Abbott, P., & Wallace, C. (2006). Culture and Women's Sociology Terminology, translated by M. Najm Iraqi. Tehran: Ney Publishing. (In Persian)
- Ahmadi, H. (2008). Sociology of Deviations. Tehran: Samt Publications. (In Persian)
- Ahmadi, S., et al. (2021). Violence Against Women: The Dominance of Patriarchal Ideology and Masculine Hegemony (Case Study: Women in Bushehr City). *Women in Development and Politics Quarterly*, 19(4), 1-20. (In Persian)
- Strauss, A., & Corbin, J. (2021). Basics of Qualitative Research Techniques and Procedures for Developing Grounded Theory, translated by E. Afshar, 9th ed. Tehran: Ney Publishing. (In Persian)
- Ezzazi, S. (2001). Family Violence Against Abused Women. Tehran: Sali Publications. (In Persian)
- Ezzazi, S. (2004). Family Violence, Social Violence, (Book of Review of Social Issues in Iran). Tehran: Payame Noor. (In Persian)
- Begerzadei, P., et al. (2018). Qualitative Study of the Phenomenon of Domestic Violence Against Women (Case Study of Women Referring to the Social Emergency Services Center in Ilam City). *Iranian Social Studies Magazine*, 11(3), 17-33. (In Persian)
- Javid, N. M., et al. (2008). Investigation of the Phenomenon of Wife Killing by Women. *Social Security Studies Quarterly*, 13. (In Persian)
- Jafari, N., et al. (2016). Family and Computer and Internet Media Harm. Isfahan: Yarmana Publications. (In Persian)
- Hajnasiri, H., et al. (2016). Physical, Sexual, and Emotional Violence among Iranian Women: A Systematic Review and Meta-Analysis. *Scientific Journal of Kurdistan University of Medical Sciences*, 24, 19-34. (In Persian)
- Hosseini, S. H., et al. (2019). Sociological Explanation of Violence Against Women: An Empirical Study. *Iranian Social Studies and Research Quarterly*, (2), 22-50. (In Persian)
- Rahmaniyan, M. (2010). The Effect of Therapeutic Coping on Depression and Despair in Female Victims of Family Violence. Master's Thesis, Payame Noor University, Tehran. (In Persian)
- Raeisi, S. (2012). Qualitative Investigation of Violence Against Baloch Women in Iran: Application of Grounded Theory Methodology. Master's Thesis in Sociology, Shahid Bahonar University of Kerman. (In Persian)
- Zahedi Asl, M. (2018). Social Harms from the Perspective of Social Work. Tehran: Allameh Tabataba'i University Publications. (In Persian)

- Zamani Moghaddam, M., & Hasanvandi, S. (2019). Qualitative Study of Domestic Violence Against Housewives in Khorramabad City. *Scientific Research Quarterly of Women and Society*, 10(3), 23-33. (In Persian)
- Zanjanizadeh, H., & Salehabadi, E. (2014). Investigating the Effect of Social Capital on Domestic Violence Against Women in Mashhad. *Social Development Quarterly*, 9(2), 32-60. (In Persian)
- Zanganeh, M. (2001). Sociological Study of Factors Affecting Husband's Violence Against Women in Bushehr Families. Master's Thesis, Shiraz University, Faculty of Social Sciences. (In Persian)
- Saroukhani, B. (1993). *Divorce: A Study in Recognition and Its Factors*, 1st ed. Tehran: University of Tehran Press. (In Persian)
- Sotoodeh, H. (1999). *Social Pathology (Sociology of Deviations)*. Tehran: Avaye Noor Publications. (In Persian)
- Sotoodeh, H. (2007). *Sociology of Social Issues in Iran*. Tehran: Nedaye Ariana. (In Persian)
- Shahhosseini, F. (1994). Round Table Discussion on Violence, a Discussion about Causes and Dimensions. *Healthy Society Magazine*, 17. (In Persian)
- Shakarbeygi, A., & Mosta'm, R. (2014). Meta-analysis of Studies on Violence Against Women. *Iranian Sociology Magazine*, 15(2). (In Persian)
- Sedigh Sarvestani, R. (2007). *Social Pathology (Sociology of Social Deviations)*. Tehran: Samt. (In Persian)
- Alivordinia, A., et al. (2011). Social Analysis of Husbands' Violence Against Women: A Theoretical Model and an Empirical Test. *Iranian Social Issues Quarterly*, 2(2). (In Persian)
- Ghazanfari, F. (2010). Factors Affecting Violence Against Women in Lorestan Province. *Scientific Research Quarterly of Lorestan University of Medical Sciences*, 12(2). (In Persian)
- Gholami, A. (2019). Investigation of Factors Affecting Violence Against Married Women in Ahvaz City: A Qualitative Research. Ph.D. Thesis in Counseling, Shahid Chamran University of Ahvaz, Faculty of Educational Sciences and Psychology. (In Persian)
- Gholami, A., et al. (2017). Investigation of Factors Affecting Violence Against Married Women in Ahvaz City. *Sociological Research Quarterly*, 11(4). (In Persian)
- Flick, U. (2009). *An Introduction to Qualitative Research*, translated by H. Jalili, 2nd ed. Tehran: Ney Publishing. (In Persian)
- Mohammadpour, A. (2021). *Anti-Method: Philosophical Foundations and Practical Procedures in Qualitative Methodology*. Tehran: Logos Publishing. (In Persian)
- Mosavati Azar, M. (2004). *Social Pathology of Iran (Sociology of Deviations)*. Tabriz: Forouzesheh. (In Persian)
- Moazzami, S. (2002). *Wife Killing*, Series of Articles of the First Conference on Social Pathology in Iran, Vol. 3. Tehran: Agah Publishing. (In Persian)
- Miri Ashtiani, E. (2003). *An Introduction to Pathology of Social Issues in Iran*. Tehran: Culture Discourse. (In Persian)
- Hemmati, R. (2004). Factors Affecting Men's Violence Against Women. *Social Welfare Quarterly*, 3(12), 35-61. (In Persian)
- Houshmand, M. (2004). The Relationship between Home and School, a Two-Way Interaction. *Peyvand Magazine*, Central Organization of Parents and Teachers Association, Ministry of Education, (2), 302-320. (In Persian)

Houshmand, M. (2005). Investigation of the Lack of Enthusiasm of Parents in Family Education Classes. Hamedan Cultural Quarterly, General Directorate of Culture and Islamic Guidance of Hamedan Province, 11(38), 39-59. (In Persian)



Sociological explanation of factors affecting family violence with the grounded theory approach

Mehrdad. Hooshmand¹, Ali. Roshanaei^{2*} & Masoumeh. Motlagh³

Abstract

Aim: The purpose of this research was to explain the sociological factors affecting family violence with a grounded theory approach. **Methods:** The current research method has studied the factors and consequences of violence against women in the family with a qualitative approach and using grounded theory. In order to collect information and select the participants, the purposeful sampling method was used and with the progress of the study, the sampling of desirable cases was done until reaching the theoretical saturation with 21 women who have been subjected to violence who have referred to the social emergency center of Nahavand city, a semi-structured interview. The finding was carried out. After analyzing and reviewing the content of the interviews, 202 primary concepts were open-coded and 20 major categories and finally one central or core category were extracted in the axial coding. **Results:** The results of this research show that factors such as husband's addiction, personality problems and disorders, forced and early marriage, patriarchal attitude in the family, lack of family support, lack of socialization and social education, and unfavorable economic conditions are among the major and effective factors in increasing and the occurrence of violence against women in the family are considerable. **Conclusion:** According to the results and findings obtained from this qualitative research, holding workshops, life skills sessions and pre-marital counseling to increase the awareness and recognition of couples and dealing with each other, especially early in life, in order to deal with and reduce the phenomenon of violence. It is suggested against women.

Keywords: *violence, married women, family violence, qualitative study, grounded theory.*

1. Ph.D. student, Department of Sociology, Ashtian Branch, Islamic Azad University, Ashtian, Iran

2. ***Corresponding author:** Assistant Professor, Department of Sociology, Ashtian Branch, Islamic Azad University, Ashtian, Iran
Email: a.roshanaei@yahoo.com

3. Assistant Professor, Department of Sociology, Arak Branch, Islamic Azad University, Arak, Iran